

آینده بحران عربی در گفت و گوی «ایران» با جعفر حق پناه کارشناس مسائل منطقه :

فشار به قطر، خط و نشان عربستان علیه کشورهای مستقل عرب است

■ **دلایل غلیی که منجر به تصمیم مشترک برخی کشورهای عربی برای قطع رابطه با قطر شد چه بود؟ به هر حال می دانیم که اختلافاتی در موضوعات مختلف میان قطر با دو کشور متحدش یعنی عربستان و امارات وجود داشت، اما تا این حد حاد نبود. چه عواملی سطح تنش را به این نقطه رساند؟**

طبعاً می شود سطوح تحلیلی مختلفی برای این واقعه قائل بود. اما یکی از سطوح تحلیلی قابل توجه که کاربرد بهتری دارد، توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای است. زیرا رفتار واحدی توسط چند کشور منطقه‌ای مانند عربستان، امارات، یمن، لیبی و مصر صورت گرفته است، به طور کلی منطقه خلیج فارس منطقه‌ای بشدت بین‌المللی شده و نفوذپذیر در برابر مداخلات خارجی است و ترتیبات امنیتی و نوع مناسبات کشورگن آن بشدت از پوشش های محیط بین المللی و منطقه‌ای تأثیر می گیرد و قرار دارد. از این زاویه می بایست به نقش متغیرهای بین‌المللی در حادثه‌ای که قطر کشنگری است که سعی می کند در مجموعه امنیت منطقه‌ای خلیج فارس

نقش آفرینی متفاوتی از عربستان و امارات داشته باشد. قطر نقش برادر بزرگتر را به خود می پذیرد. این در حالی است که در منطقه دچار دو قطبی شدید، امکان بازیگری مستقل‌تر از سوی قطر توسط عربستان سعودی پذیرفته نمی شود. تا پیش از وضعیت جدید منطقه، قطر از امکان نقش آفرینی مستقل در حوزه روابطش با ایران، نفوذ در مسأله فلسطین و ارتباط با گروه‌های اسلامی و همین طور قدرت نرم حاصل از نفوذ شبکه الجزیره برخوردار بود. نا همراهی نظام بین‌الملل با هژمونی گرایی و برتری طلبی سعودی‌ها نمی‌گذاشت عربستان منویات خودش را به قطر دیکته کند. اما به نظر می‌آید که بعد از سفر ترامپ و تغییر ظاهری روابط امریکا و عربستان، مقامات ریاض فکر کردند که می‌توانند نقش هژمون و ژنرالرم منطقه را به عهده بگیرند. به نظر می‌رسد قطریکی از موانع اجرایی شدن این خودمختاری باشد. کشوری که می‌توانست در مواقعی موازنه ایران و عربستان را به زیان سعودی‌ها برهم بزند. بنابراین آتش نهفته که در گذشته وجود داشت به یکباره فوران کرد و ما شاهد آن هستیم که عربستان تلاش کرد با بازیگری از قدرت‌های کوچک‌تر منطقه‌ای مانند لیبی، امارات و همین طور قدرت مهمی مانند مصر از طریق منزوی کردن قطر، هم هزینه رفتار حاکمان خود را بالا ببرد و هم خط و نشانی برای قدرت‌های نسبتاً بی‌طرف و مستقل دیگر مانند عمان، کویت و حتی لبنان بکشد تا آنها احساس کنند قاعده بازی در منطقه عوض شده است. تلقین احساس حمایت دولت ترامپ از سعودی‌ها در ازای خریدهای هنگفت و قراردادهای نفتی نیز سبب شد که سعودی‌ها نوعی حاشیه امن احساس کنند و فکر کنند می‌توانند پرورنده رالیعیه قطری پیش ببرند.

■ **این نصورهاومحاسبات تاجه‌حواقعی و کار ساز است؟**

به باورم، توان بازیگری سعودی‌ها محدود است و نمی‌توانند پیش از این ادامه دهند. اصولاً سعودی‌ها در ائتلاف‌سازی تا یک حدی می‌توانند در منطقه کارهایشان را پیش ببرند. این حدی است که در رابطه با بحران یمن و نیز ماجرای قطع رابطه با ایران خودش را نشان داد. ظرفیت منطقه برای تنش‌زایی بیشتر مهیا نیست. علاوه بر اینکه اقدامات انجام شده علیه قطر خیلی واکنشی و شتابزده است و به نظر می‌آید فضاسازی‌ها در همین دو هفته پس از سفر ترامپ انجام شده است. معلوم است که آماده‌سازی‌های لازم صورت نگرفته است. این در حالی است که قطر از قدرت واکنشی نسبتاً خوبی برخوردار است. قدرت مالی و شرایط رسانه‌ای خوبی دارد. اقدامات امارات و عربستان در واقع نوعی تحریم مردم قطر را هم دنبال می‌کند و در نتیجه از مقبولیت چندانی در جهان عرب برخوردار نخواهد بود.

به همین دلیل به نظر می‌رسد نوعی میانجیگری و حرکت به سمت ساز و کارهای سنتی که بر اساس آن پادشاهان دیگر عرب نقش آفرین می‌شوند پیش

بازمی‌گردد. قطر کشوری است که ناچار است در منطقه برای حفظ خودش در برابر برادر بزرگتری به نام عربستان سعودی با کشورهای بزرگ‌تری مانند ترکیه یا ایران رابطه نسبتاً دوستانه ای را دنبال کند و این امر جدیدی نیست. اما مسأله این است که شدت حساسیت سعودی‌ها درباره این موضوع نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده و آستانه تحریک‌شان پایین آمده است.

■ **اثرات طولانی مدت این تنش در روابط آتی این کشورها را چگونه تحلیل می‌کنید؟ عربستان ناتوی عربی را پیگیری می‌کند و به دنبال ایجادیک ائتلاف عربی قدرتمندبود. آیا این تنش شکل‌گیر آن ائتلاف را برای همیشه با تردید مواجه‌نمی‌کند؟**

بعد از جمله عراق به کویت و همراهی کشورهای عربی با ائتلاف امریکایی علیه یک کشور عربی یعنی عراق این واقعه سومین شوک بزرگی هست که به جهان عرب وارد می‌شود و مسائلی مانند همگرایی جهان عرب وامت واحد عربی را کاملاً تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که تبعات این اقدام سعودی‌ها بر جهان عرب پایدار خواهد بود و بر نگاه عمومی جهان عرب نسبت به عربستان و امارات اثر منفی خواهد گذاشت. خصوصاً اگر قطری‌ها بتوانند این موضع را جایبندازند که اقدامات انجام شده از سوی امارات و عربستان و کشورهای همراهشان بیش از هر چیز اقدامی علیه مردم قطر است. رفتار سعودی‌ها را فقط یک جور می‌توان توجیه کرد؛ اینکه بگوییم آنها فکر می‌کنند که اقدامات‌شان علیه قطر خیلی زودبازده است.

اما اگر سعودی‌ها احساس کنند که این مسأله مانند بحران یمن طولانی و مزمن می‌شود و عواقبش دامنگیر؛ باید با حزم و احتیاط بیشتری رفتار کنند. البته این احتمال وجود دارد که عربستان کشورهای دیگری مانند سودان، جیبوتی ... را با خود همراه کند تا از مشروعیت بیشتری برخوردار شود و اثر منفی تصمیمات خود را کم‌رنگ کند.

■ **پیش بینی‌های متعددی از ادامه یافتن این تنش سخن گفته‌اند. طبیعتاً اگر این بحران ادامه پیدا کند، دولت سعودی‌ها چه اقداماتی را در زمینه تقویت نزدیکی با امارات و عربستان سعودی در نظر می‌گیرند؟**

■ **آنچه پس از سفر ترامپ به ریاض القا شد، این بود که قطر به رفتارهای تحریک آمیز دست رزده است. چه نگاهی سبب شد که حاکمیت قطر دیدگاهش نسبت به موقعیت ایران در منطقه و تمایلش به تقویت روابط با تهران را اعیان‌کند؟**

همواره خوب بوده است. ایران و قطر هیچ‌گاه رابطه تنش آلودی نداشته‌اند. می‌شود گفت بعد از عمان بهترین رابطه ایران در منطقه خلیج فارس از آن قطر بوده است که شاید تا حدود زیادی متأثر از نیازهای متقابل دو طرف و درهم تنیدگی‌های اقتصادی مانند حوزه مشترک گازی است. چنانکه شاهد بودیم در اوپک گازی ایران با قطر با ایران به صورت سنتی همواره خوب بوده است. ایران و قطر هیچ‌گاه رابطه تنش آلودی نداشته‌اند. می‌شود گفت بعد از عمان بهترین رابطه ایران در منطقه خلیج فارس از آن قطر بوده است که شاید تا حدود زیادی متأثر از نیازهای متقابل دو طرف و درهم تنیدگی‌های اقتصادی مانند حوزه مشترک گازی است. چنانکه شاهد بودیم در اوپک گازی ایران با قطر با حتی به روسیه ترجیح داد. همچنین رابطه نسبتاً خوب قطر با حزب‌الله و حماس را باید در نظر گرفت. این مؤلفه‌ها به قدرت نرم قطر

■ سال بیست‌وسوم ■ شماره ۶۵۲۰ ■ پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۶

editorial@iran-newspaper.com

دگرخوان

اخبارات

■ **یادداشت: «معجزه فوتبال»؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده**

معجزه فوتبال دیشب در سراسر ایران با ظهور همبستگی ملی و شادی و نشاط اقشار گوناگون مردم، بخصوص جوانان، چند روز بعد از حادثه تلخ تروریسم در تهران چنان در رسانه‌های خارجی انعکاس مثبت داشت که در قیاس با گزارش خبری- تصویری صدا و سیما که تنها محصور به چند خیابان در تهران شده بود، گزارش بی‌المللی شد. امروز یکی از روزنامه‌های آمریکایی نوشته است: «پیروزی فوتبال ملی ایران واکنش مردم آن در سراسر کشور، پیامی به ترامپ داشت که با مردم و کشوری مانند ایران نمی‌تواند همچون چند جزیره در حاشیه جنوبی خلیج فارس عمل کند!» دیشب صدا و سیما با گزارشی از زاهدان، کرمانشاه، کردستان (سندج)، ایلام، بندرعباس، اهواز و آبادان می‌توانست بر این توهم‌سازی دشمنان که در این نواحی و در سایر نواحی سکونت ایرانیان سنی مذهب از طرفداران داعش‌اند، خط بطلان بکشد و ریشه سترگ فرهنگ ایرانی و افتخار ایرانی بودن در سراسر این مرز و بوم را نشان دهد. دیشب صدا و سیما می‌توانست معجزه فوتبال را از طریق ایجاد معجزه ملی به جهانیان نشان دهد. در سراسر کشور، در مراکز استان‌ها، شهرستان‌ها و حتی روستاها، جشن و سرور تا پاسی از شب گذشته ادامه داشت و یک شعار، اصلی‌ترین فریاد در پهن دشت این سرزمین کهن بود: «ایران، ایران، ایران...» معجزه فوتبال همه را به صحنه آورد تا مردم ایران یکبارچگی ملی و میهنی خود را به جهانیان نشان دهند. هنوز دیر نشده است، جا دارد تا فیلم‌ها و گزارش‌های خبری- تصویری مراکز استان‌های صدا و سیما در یک برنامه بازپخش گردد و در سطح ملی نشان داده شود.

■ **یادداشت: «ضرورت فضای پسانتخاباتی»؛ طه‌سیاوشی**

پس چگونه است زمانی که ملت ایران چنین عقلانیتی را با مشارکت بالای خود در انتخابات مختلف و پیاپی در کشور به کار می‌بندد و موجب حیرت و احترام جهانیان می‌شود، چرا برخی از مسئولان و فعالان سیاسی همچنان مشغول جدل‌های پسا انتخاباتی هستند؟ مردم ایران با شناخت شرایط حساس کشور با عقلانیت به امیت، آزادی و آرامش رای دادند تا به آینده‌ای بهتر و سعادت‌مندتر برسند و انتظار دارند مسئولان و فعالان سیاسی هم با پایان گرفتن فضای انتخاباتی، دست در دست یکدیگر داده تا بتوانند منتخب مردم را در رسیدن به اهداف و شعارهای انتخاباتی‌اش یاری دهند. شرایط حساس بین‌المللی و منطقه‌ای اینک بیش از هر زمانی همدلی و وحدت و همبستگی ملی می‌را ما را می‌طلبد. شایسته نیست که از رسانه‌های عمومی و تریبون‌های رسمی به جدل و گگو و مگوهای غیرضروری پرداخته شود. الان زمان کشاکش و جدل‌های سیاسی نیست. کشور نیازمند تقویت وحدت ملی است و مسئولان باید در این مسیر خود الگوی جامعه باشند و با سعه صدر و شکیبایی، جامعه را نیز به سمت آرامش بیشتر هدایت کنند.

■ **سرمقاله: «باید و نباید‌های کابینه‌دوازدهم»؛ صادق زریاکلام**

کابینه دولت یازدهم در شرایط انتخاب و به مجلس معرفی شد که می‌توان آن را به نوعی مصالحه و ائتلافی نانوشته میان آقای روحانی و اصولگرایان معتدل نامید... اما در حال حاضر و برای چنین کابینه دولت دوازدهم این قید و بند، تا حدی برداشته و فضا برای آقای روحانی بازتر شده است. پیروزی قاطعی که آقای روحانی در انتخابات ۹۹ اردیبهشت به دست آورد، کمک می‌کند که او اعضای دولت خود را بهتر انتخاب کند. در عین حال این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که جریان تندرو اصولگرا در تابستان ۹۶ خیلی ضعیف‌تر از اصولگرایان تندرو در تابستان ۹۲ شده است بخصوص که در مجلس شورای اسلامی به جز چند چهره، اصولگرایان تندرو جایی ندارند. تحول دیگری که به نفع آقای روحانی رخ داده، این است که حدود یک سوم از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی به لیست امید تعلق دارد. حضور لیست امید به علاوه اصولگرایان معتدل و میانه‌رو در مجلس شناس آقای روحانی را برای اینکه بتواند وزرایی مطلوب‌تر از دوره قبل را انتخاب کند، بیشتر می‌کند. همچنین امروز شکاف میان جریان تندرو و جریان اعتدالگرای طبیف اصولگرا بیشتر شده است... نباید فراموش کنیم که تعداد قابل توجهی از زنان به آقای روحانی رای داده‌اند و انتظارات و توقعاتی از رئیس جمهوری منتخب دارند. آقای روحانی باید به مسائل زنان رسیدگی کند و موجبات حضور زنان در عرصه سیاست را هر چه بیشتر فراهم کند. همچنین ورود افرادی از اهل سنت را به کابینه پیشنهاد می‌کنم. آقای روحانی باید با سعه‌صدر و شنجش تمامی جوانب، وزرای خود را انتخاب کند. آنچه مسلم است این است که انتظار زیادی از او وجود دارد که تغییراتی در دولت دوم به وجود آورد.

■ **سرمقاله: «بزرگ‌تراز آزادی حلب»؛ سعدالله زارعی**

امریکا با درک شرایط جدید در عراق و سوریه طرحی را در نوار مرزی این دو کشور به مرحله اجرا گذاشت که مسئولان و کارشناسان رژیم صهیونیستی آن را طراحی کرده بودند. طرح این بود که در طول مرز مشترک میان عراق و سوریه یک «منطقه امن» به عمق حدود ۸۰ کیلومتر به وجود آورند به گونه‌ای که نیروهای جبهه مقاومت در عراق و سوریه اجازه ورود به این محدوده را نداشته و هوایمماهای نظامی و غیرنظامی جبهه مقاومت هم اجازه عبور از آسمان این منطقه را نداشته باشند... جبهه مقاومت به فرماندهی میدانی سردار سلیمانی در این میانه و با درک حساسیت شرایط محرم خود در برای به شکست کشاندن سیاست شیطنی امریکا جزم کرد. در این میان استدلال جبهه مقاومت برای بهم زدن طرح مداخله‌گرانه امریکا خدشه‌ناپذیر است... امریکایی‌ها در این بین مثل همیشه زبان به تهدید گشودند و برای آنکه طرف مقابل، جدی بودن تهدید را باور کند به طور محدود و واحدی از ارتش سوریه حمله کرد اما جبهه مقاومت چنین تهدیدی را بر دینفاق و سر جرای خود استند. از آن طرف نیروهای عراقی که پیروزی‌های درخشانی در جنگ واقعی با داعش بدست آورده بودند با دستور حیدرالعبادی نخست‌وزیر عراق به سمت مرزهای غربی عراق به حرکت درآمدند و بخش زیادی از مناطق مرزی را به تسخیر خود درآوردند و به تهدیدهای امریکا برای بازگشت به عقب توجه نکردند و در عمل این الحاق اتفاق افتاد. امریکایی‌ها در این صحنه، باخت امنیتی خود را پذیرفتند و این را نشان دادند که نمی‌توانند ریسک یک درگیری جدی با جبهه مقاومت را بپذیرند و تا آنجا که بتوانند از آن پرهیز می‌کنند. این در حالی است که- مانند آنچه در

پرونده برجام شاهد بودیم- اندک عقب‌نشینی، پیشروی بی حد و حصر امریکا را در پی می‌آورد و خطایی استراتژیک شکل می‌گرفت... بعضی از تحلیلگران نظامی... این روزها بهم خوردن طرح امنیتی نظامی امریکا در مرزهای شرقی سوریه را رخدادی مهم‌تر از آزادسازی حلب دانسته‌اند.

«

اگر عربستان در این

وهله به موفقیت

قابل توجهی دست

پیدا کند، امکان اینکه

این الگوی رفتاری

را درباره کویت و

عمان هم پیگیری

کند، وجود دارد.

اما پیش بینی‌ام

این است که خیلی

بخت با سعودی‌ها

یار نیست. زیرا اساساً

این گونه رفتار، رفتار

هنجار مندی در نزد

نظام بین الملل و

افکار عمومی جهان

به نظر نمی‌آید و

همراهی نمی‌شود

دعواست و یکی از دلایل انزوی قطر، به

همین دلیل نوعی احتیاط بود که تهران و هم در دوحه وجود دارد. ضمن اینکه ما باید بدانیم که برای حمایت ویژه از قطر با محدودیت‌هایی مواجهیم. برای ایران آنچه مهم است، گرانزی از مداخلات خارجی در منطقه و نیز هژمون شدن یکی از رقبای منطقه‌ای یعنی عربستان است. از این جهت طبیعتاً بیشتر باید به فکر این باشد که از مردم قطر حمایت کند و این در موضوعی آقای طریف‌هم در این زمینه می‌خورد. ما در این شرایط اقدام ویژه‌ای را متصور نیستیم. همین دعوت به خویشنداری و ابراز تمایل برای ارسال کالاها و اعمال حمایت‌هایی که به سخت نشدن زندگی مردم قطر کمک می‌کند، اقدام‌های درستی است که باید ادامه داشته‌باشد.

■ **تأثیر این اتفاقات بر سیاست خارجی منطقه ایران چه خواهد بود؟**

جواب این پرسش احتیاج به مشخص شدن رفتار سعودی‌ها دارد. الان ما در مرحله گذار به سری می‌بریم بنابراین این نمی‌شود خیلی قطعی اظهار نظر کرد. فعلاً ما در شورای خلیج فارس هم در میان اتحادیه عرب عربستان و تا حدودی مصر دست بالا را دارند و رقیب جدی در کار نیست. اما امروز این است که به بینیم اینها چقدر آهسته آهسته و مطمئن و قند برای عربستان به همراه می‌آورند. زیرا تا کنون جز پروپاگاندا و تبلیغات برای اینکه رفتار سعودی‌ها را منشروع جلوه دهند کاربرد دیگری نداشته‌اند. این شورا‌ها اتحادیه‌ها تا پیش از این هم در هیچ‌یک از بحران‌های منطقه‌ای و جهان عرب کارساز نبوده‌ند. شاید برای همین است که عربستان بار دیگر به سمت قدرتی چون امریکا حرکت کرده است و می‌خواهد با اقدامات رقبایش را حمایت از تروریسم. دنبال‌روی از قدرت برتر به اهداف خود دست پیدا کند.

برای فروش مازاد آب سنگین در حال مذاکره با خریداران بالقوه هستیم



فصلی شورای حکام از روز دوشنبه آغاز شد و تا روز جمعه ادامه دارد و موضوع های مختلفی در ارتباط با کار آژانس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

■ **درخواست اتحادیه اروپا برای تصویب پروتکل الحاقی**

اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ضمن تأیید اجرای تعهدات ایران مطابق با توافق هسته‌ای برجام بار دیگر خواستار تصویب پروتکل الحاقی و ادامه همکاری برای رسیدن به نتیجه‌گیری گسترده درباره ایران شد. به گزارش ایرنا، اتحادیه اروپا در ابتدای این بیانیه تأکید کرده که معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را بنیاد و اساس نظام بین‌المللی منع گسترش می‌داند. در

نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

برای فروش مازاد آب سنگین در حال مذاکره با خریداران بالقوه هستیم

رضا نجفی، سفیر و نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اعلام حمایت اکثر کشورهای عضو شورای حکام از ادامه اجرای برجام گفت: «موضوع ایران در این جلسه شورای حکام نسبت به جلسات قبلی به صورت خیلی کوتاه بحث شد و تقریباً یک ساعت طول کشید و این نشان می‌دهد که بحث اجرای برجام در ایران به سهولت پیش می‌رود و مشکل خاصی نیست.» به گزارش ایرنا، نجفی در ارتباط با فروش مقداری از ذخایر آب سنگین ایران گفت: «موضوع فروش آب سنگین در برجام آمده است و اگر ایران اضافه بر ۱۲۰۰ تن آب سنگین ذخیره داشته باشد، موظف است آن را به بازار بین‌المللی ارائه کند البته قیمت پیشنهادی خریداران باید مورد قبول ایران هم باشد.» سفیر ایران در آژانس افزود: «در گذشته به همین متوال عمل می‌شده و ما آب سنگین اضافی را بسته‌بندی می‌کردیم و در عین حال که در حال مذاکره با خریداران بالقوه بودیم، آن را برای ارسال به مقصد آماده می‌کردیم. در گذشته این امر رخ داده و ما ده‌ها تن آب سنگین را فروختیم و به کشورهای مقصد صادر کردیم و چون بخشی از این

خبر

تکذیب دوباره وزارت امور خارجه

در خصوص خرید خودروهای لوکس قاچاق

روابط عمومی وزارت امور خارجه بار دیگر اعلام کرد که خبر مربوط به خرید خودروهای لوکس قاچاق شده به ایران، توسط این وزارتخانه به هیچ وجه صحت ندارد. به گزارش ایران، براساس این اطلاعیه، وزارت امور خارجه در دولت یازدهم ۷۷ پیژوپارس برای مصارف خود آن هم از محل درآمد حاصل از فروش خودروهای فرسوده، هیچ خودروی دیگری و تحت هیچ شرایطی خریداری نکرده است. روابط عمومی وزارت خارجه افزود: «اظهارات یکی از نمایندگان محترم مجلس در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها در خصوص پیشنهاد خرید سمنده به وزارت امور خارجه نیز مربوط به دولت دهم بوده که آنها برای برگزاری اجلاس سران جنبش عدم تعهد، تعداد زیادی خودرو بنز خریداری کردند و لذا نیازی به خرید یا وارد کردن خودرو تشریفاتی دیگری وجود نداشته است.» روابط عمومی وزارت خارجه در پایان عنوان کرد: «در صورت لزوم، چنانچه پیشنهاد مشخصی از سوی شرکت‌های داخلی برای فروش خودروی تشریفاتی ساخت داخل دریافت شود، این وزارتخانه بررسی و پاسخ لازم را اعلام خواهد کرد.»